

بی‌نیاز، فتح‌الله، ۱۳۳۰ - زرلکی، شهلا، ۱۳۵۵ - میرزایی، مسعود، ۱۳۴۵
نگره: نقد ادبیات داستانی: زیرنظر فتح‌الله بی‌نیاز، شهلا زرلکی، مسعود میرزایی
تهران: فرهنگ کاوش، ۱۳۸۵
ص ۱۴۴

۷-۹۰-۶۵۳۰-۹۶۴-۹۱-۱: (ج. ۲) ۹۶۴-۶۵۳۰-۹۶۴-۹۷۸

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

۱. داستان - قرن ۲۰ م - تاریخ و نقد - ۱۲ جلد - مقاله‌های فارسی - قرن ۱۴

۸-۹/۳

PN ۲۵۰۳/ب ۹۴، ۸

۱۳۸۵

۸۵-۲۸۳۹۴

کتابخانه ملی ایران

نگره

نقد ادبیات داستانی

دفتر دوم

زیر نظر: فتح الله بی نیاز، شهلا زرلکی، مسعود میرزایی

انتشارات فرهنگ کاوش

بهار ۱۳۸۶

نگره

نقد ادبیات داستانی

دفتر دوم

زیر نظر: فتح الله بی نیاز، شهلا زرلکی، مسعود میرزایی

طراحی روی جلد: محمدمهدی صنعتی

ناشر: انتشارات فرهنگ کاوش

لیتوگرافی و چاپ: پرتوگراف

نوبت چاپ: اول / بهار ۱۳۸۶

شمارگان: ۱۲۰۰ نسخه

شابک: (دوره) ۷-۹۰-۹۶۳۶۵۳۰-۱ : (ج.۲) ۹۱-۹۶۳۶۵۳۰-۹۷۸

<http://www.fkavesh.s5.com>

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

- ۷ در پاسخ به چند ابهام / شورای سردبیری
- ۱۰ در سایه ایوانهای مخوف / شاهرخ تندرو صالح
- ۱۶ انقلابی در ارزشها / آرش نقیبیان
- ۲۲ جنگجویان انتهای تاریخ / محمدحسن شهسواری
- ۲۹ خاطرات یک دون ژوان / پدروام رضایی زاده
- ۳۶ جایگاه واقعیت، شأن وهم و حلقه رابطه باورپذیری / فتح الله بی نیاز
- ۴۸ صراحت، ابرقهرمان و زوال کتاب / سعید طباطبایی
- ۵۷ روایتی تازه از ادبیات روستایی / طلا نژاد حسن
- ۶۳ مروری بر کتاب نقد ادبی و دموکراسی / محمدرضا گودرزی
- ۷۳ باغ تلو گذاری جدید با چشم اندازی جدید / کامران پارسی نژاد
- ۸۰ روایتی که با تداعی معانی نامعمول پیش می رود / علی رضا سیف الدینی
- ۸۴ ماندن در دایره عینیت / رسول عبدالمحمدی
- ۹۱ بیسکویت نام سگی است که می تواند وجود هم نداشته باشد / محسن فرجی
- ۹۷ تعلیق آن هدایت مألوف... / مهدی پاک نهاد
- ۱۰۴ نگاهی به مرگ مرموز در کلیسا / محمدرضا مزروعی
- ۱۰۹ فقدان عناصر همیشگی یک نویسنده / فتح الله بی نیاز
- ۱۱۷ حلقه باختین، فرهنگ مردمی و ادبیات چندصدایی / جواد اسحاقیان
- ۱۲۴ فرزندان خلف فاکترو جویس / سجاد صاحبان زند
- ۱۳۰ کوله بار تنهایی در سفری بی انتها / الهام عظیم
- ۱۳۸ نگره علیه نگره / شهلا زرلکی

در پاسخ به چند ابهام

نگاه دیگران به «نگره» شماره یک

شماری از اهل قلم، ضمن بالارزش خواندن انتشار دفتر شماره یک «نگره» انتقادهایی هم به صورت حضوری و تلفنی داشته‌اند که عین آنها و نیز پاسخ شورای سردبیری را می‌آوریم:

۱. انتقاد شده است که چرا بعضی از رمانها یا مجموعه داستانها، ضعیف یا متوسط متمایل به ضعیف انتخاب شده‌اند.

در پاسخ باید گفت که نگاه «نگره» معطوف به کتابهای منتشره تابستان سال ۱۳۸۵ بوده است، و با چنین معیاری جایی برای «داوری» و «گزینش» باقی نمی‌ماند. ضمن این که قرار نیست تمام کتابهای نقدشده از بهترینها باشند. مگر «آتلانتیک ریویو» یا «ایر» و دیگر نشریه‌های معتبر چنین می‌کنند؟ قرار «نگره» تمرکز بر کتاب و نقد آن بوده است نه نمره دادن به نویسنده رمان و مجموعه داستان. به این ترتیب تنوع هم به خودی خود مطرح می‌شود.

۲. انتقاد شده است که شماری از نقدها قوی، مستدل و اقناع‌کننده نیستند.

پاسخ: چندی پیش یکی از اعضای شورا (آقای بی‌نیاز) به آقای محمدخانی پیشنهاد کرد که به‌جای چهره‌های تکراری میانسال و کهنسال از همکاریِ جوانهایِ با استعدادی که شمارشان هم کم نیست، بهره بگیریم و کنار هر منتقدِ سالمندی، یک منتقدِ جوان بنشیند. آقای محمدخانی با اشتیاق زیادی در جواب گفتند که از مدتها پیش به این فکر افتاده‌اند و حتی آن را با آقای محمدحسن شهسواری در میان گذاشته‌اند. به هر حال، تلاش آقایان شهسواری و بی‌نیاز، برای جلب همکاریِ جوانها نتیجه مطلوبی نداد و بیشتر آنها گفتند که در مباحث مورد مذاکره، مطالعه کافی ندارند. به‌عنوان نمونه برای جلسه نقد و بررسی ناباکف که می‌توان او را فصل مشترک مدرنیسم متأخر و پست مدرنیسم ادبیات داستانی خواند، پس از مدتها تلاش فقط یک منتقدِ جوان پیدا شد. اما شورای سردبیری «نگره» بر این باور است که این فرصتها را باید به مرور و ترجیحاً به شکل مکتوب فراهم آورد. «نگره» جایگاهی است برای نگاه‌آزمایی و ذوق‌آزمایی کسانی که استعداد دارند، اما از تریبون معتبر محروم‌اند. اگر به تاریخچه نشریات خارجی نگاه شود، می‌بینیم آنها هم کار خود را به همین شکل پیش بردند و بعدها نام‌آورانی را به جهان نقد افزودند. اهل قلم ایران که نمی‌توانند تا آخر عمر مقالات و نقدهای عنایت سمعی، مشیت‌علایی و بی‌نیاز را بخوانند! حضور منتقدین جوان، هر چند با نقدهایی برخوردار از ضعف، موجب تشویق آنها و نیز برخورد اطرافیان و اعتلای کارشان می‌شود. دیری نخواهد پایید که جایگزین شدن منتقدان جوان صحت این گفته را نشان دهد.

۳. انتقاد شده است که بعضی از نقدها دچار افراط و تفریط شده‌اند؛ منتقد یا بی‌دلیل اثری را کوبیده است یا آن را تحسین کرده است.

در پاسخ باید گفت که تمام نقدها توسط هر سه عضو خوانده شده‌اند و نقدهایی که دچار این نقاط ضعف بودند، مشخص گردیدند و آقای بی‌نیاز با نویسندگانشان تلفنی صحبت کرد. ضعف کار را گفت و تأکید کرد که «نقد همکاری هنری است و یک نقد محبانه هفتاد درصد نقاط قوت را می‌بیند و سی درصد نقاط ضعف را تا همین شمارگان ۱۱۰۰ یا ۱۵۰۰ نسخه‌ای ادبیات

داستانی مهجور نماند. اما بین «نقد محبانه» با تشریح، تفسیر و نیز «نقد ستایش‌آمیز» تفاوت عظیمی وجود دارد. از سوی دیگر برخورد تند و کوبنده و «خفه کردن خودمان» هم پدیده شومی است که دامنگیر ما شده است و باید از آن تیری بجویم. ضرورتی ندارد که تمام نقاط ضعف یک اثر یک‌جا مطرح شوند. باید بخشی را ناگفته گذاشت تا دیگران هم، رمان یا مجموعه داستان را بخوانند و روی آنها کار کنند و به این ترتیب کتاب سرکوب نشود. با این حال «نگره» تعیین تکلیف نمی‌کند، چیزی را از متن حذف نمی‌کند یا آن را عودت نمی‌دهد. قضاوت خوانندگان می‌تواند معیار و محکی برای کارهای آینده باشد، اما یک منتقد جوان از نخستین سالهای کار خود، سعی می‌کند به‌عنوان یک تحلیلگر بی‌طرف و منصف شناخته شود. ۴. با توجه به نکات فوق، نقد هر منتقدی، آراء و نظریات خود اوست و ممکن است با نقطه نظرات یک عضو یا اعضای شورای سردبیری همخوانی داشته یا نداشته باشد. ■

شورای سردبیری